

نیمتاج سلماسی

نخستین زنی که سیاست را

به شعر سرود

نیمتاج سلماسی در سلماس یکی از شهرهای پر آشوب دوره قاجاریه به دنیا آمد و در درگیری‌هایی که به سال ۱۲۹۸ شمسی در آن شهر اتفاق افتاد باعث قتل عام مردم بی‌گناه و ویرانی خانه‌ها و غارت اموال گردید هنوز در آن شهر زندگی می‌کرد. نیمتاج سلماسی به زبان‌های ترکی و انگلیسی تسلط داشت و پس از مهاجرت از سلماس در تهران زندگی کرد. شعر او آکنده از آرمان‌های اجتماعی و امید به آرامش و نظم در میهن شکوهمندش بود او شاعری مترقی و آزاده بود.

بر این شبکه رسیدیم که در قدیم‌ترین تذکره ناسی یعنی لیب‌الالباب (تألیف ۱۳۱۷ ق) نام دوزن شاعرین را به دو دختر کاشغری آمده است و در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی (تألیف ۱۸۹۲ ق) نام چهار زن شاعر آمده یعنی پیری، مهستی، دلارام چشای و جهان خاتون و جالب است که بر اینده در هم‌ترین منبع ادبی قرن نهم قمری یعنی مجالس النفایس امیر علی شیر نوری که ۳۸۵ مرد شاعر را معرفی کرده نام زنان شاعر حذف شده و تنها از دوزن شاعر یاد شده آن هم زیر نام زنان!



شهاب نادری مقدم

دکتر روح انگیز کراچی - محقق و شاعر - در کتاب اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه تحقیقاتی پیرامون نیم تاج سلماسی به رشته تحریر درآورده است. گفتار زیر بخشی است پیرامون شعر و زندگی آن شاعر عصر مشروطه.

ما داریم که می‌دانید؟ طرز تلقی جامعه نسبت به زن و شیوه تفکر تذکره نویس دو عامل مهم در ارزیابی ریشه‌های تاریخی این حذف و فراموشی است که این‌ها جدا از ارزش‌های اخلاقی، مذهبی یک فرهنگ نیستند. در تحقیقی که راجع به تذکره‌های فارسی و زنان شاعر داشته‌ام به این نتیجه رسیدیم که در قدیمی‌ترین تذکره فارسی یعنی لیب‌الالباب محمد عوفی (تألیف ۱۶۱۷ ق) نام دو زن شاعر یعنی رایبه و دختر کاشغری آمده است و در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی (تألیف ۱۸۹۲ ق) نام چهار زن شاعر آمده یعنی پیری، مهستی، دلارام چشکی و جهان خاتون و جالب است که بدانید در مهم‌ترین منبع ادبی قرن نهم قمری یعنی مجالس النفایس امیر علی شیر نوری که ۳۸۵ مرد شاعر را معرفی کرده، نام زنان شاعر حذف شده و تنها از دوزن شاعر یاد شده آن هم زیر نام مردان!

بدین صورت که بیدلی مادر شاعری به نام شیخ زاده انصاری معرفی شده و در توضیح شعر مولانا سلیمانی نوشته است، مشهور است که این دو بیت از مهوری زن حکیم طیب است ولی این شعر از سلیمانی است! ببینید دیدگاه مرد محورانه امیر علی شیر نوری، وزیر و دانشمند معروف دوره تیموری تا چه اندازه متعصبانه است که زنان شاعر پیش از خود را حذف کرده، ۲۰ زن شاعر هم‌زمان خود را (سده نهم قمری) را نادیده گرفته‌اند و از دوزن شاعر به تحقیر یاد کرده است، اما در تاریخ ادبیات فارسی حق به‌حق قدر رسیده است و این دوزن مقامی برجسته‌تر از مردانی دارند که در مجالس النفایس زیر نام آنها معرفی شده‌اند. درست برخلاف میل امیر علی شیر نوری (نقاد هوشیار زمانه) نام آن دو مرد شاعر را از صحنه ادبیات حذف کرد و مهوری و بیدلی را به جای حقیقی خود نشانده. متأسفانه در طول تاریخ فرهنگ ما، این کورته بینی‌ها، و کج فهمی‌ها زیاد بوده و مردان قلم به دست به انصاف و از سرخس تبت درباره زنان نوشته‌اند!

سپاهیان عثمانی برای همبستگی با مسلمان‌ها، به خوبی حمله کردند و مسیحیان را شکست دادند. در مجموع تصویر ایران در آن سال‌ها جز مصیبت، رنج، بلا و درد چیز دیگری نبود، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، قیام میرزا کوچک خان جنگلی در رشت، قیام لاهوتی در تبریز، قیام کلنل تقی خان پسیان در خراسان، شورش کردها به ریاست اسماعیل آقا سمیتو، کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی و بالاخره تشکیل دولت رضاخان میرپنج در ۱۳۲۲ ق / ۱۲۹۹ ش و... همه این‌ها حوادثی بود که در این سال‌ها اتفاق افتاد و باعث پریشانی اوضاع ایران شد و طبیعتاً است دیدن چنین مصیبت و رنجی هر مین پرستی را متأثر و غم‌زده می‌کرد.

گویا از نیمتاج سلماسی چیز چندین قطعه شعر اثر دیگری در دست نیست، علت را در کجا باید جستجو کرد؟ اول فرهنگ ایران و نابرابری جنسی. دوم این که باز هم بنا به علل فرهنگی در جامعه ما، بیش از نیمی از انرژی ذهنی و جسمی زنان هنرمند در راه‌هایی غیر از هنر صرف می‌شود و زنان هرگز اجازه ندارند، آزادانه همه وقت خود را وقف هنر کنند و آن را جدی بگیرند، بنابراین در چنین شرایطی استعداد و هنر زن به هرز می‌رود.

سوم این که نیمتاج سلماسی غیرت مردانه را زیر سوال برد و به مردانگی مردان انتقاد کرد، طبیعتاً است شاعری چون او در چنین فرهنگی به عمد فراموش می‌شود و فکر می‌کنم آنهایی که مانده‌اند شاید به این سبب است که مردپسندانه، تقلیدی و با رعایت کامل سنت‌های جامعه شعر سرودند و در انتها باید گفت که او برای دلخوشی مخاطب و محبوبیت در بین مردم شعر نگفت، او تعهد اجتماعی و رسالت هنرمندانه خودش را انجام داد.

آیا در حین تحقیق پیرامون شعر و زندگی نیمتاج سلماسی با دشواری‌هایی نیز مواجه بودید؟

بله، کمبود مأخذ در مورد زنان هنرمند به خصوص نیمتاج خاکپور سلماسی که فقط ۱۰ یا ۱۲ تذکره در مورد او به دو یا سه سطر اطلاعات و ۲ شعر از او اکتفا کرده‌اند طبیعی است که نوشتن نقد در چنین مواردی بسیار مشکل است.

آیا نیمتاج هم چون تقی رفعت و شمس کسمایی که در نهضت شیخ مجید خیابانی حضوری فعال داشتند، در گروه خاصی فعالیت داشت؟

ما داریم که مشروطه سیاسی - اجتماعی، به عقیده شما پرداختن اهل ادب به مشروطه و درآمیختن با جریان‌های سیاسی اساساً بر مبنای چه ضرورتی انجام گرفته است؟

شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی اواخر دوره مظفرالدین شاه ایجاب می‌کرد که هنرمند، محرک جریان‌های مترقی، تاثیرگذار و راهنمای اجتماع باشد و جامعه ایستا و روبرو به زوال آن دوره را به جامعه‌ای پویا و زنده بدل کند، انگیزه‌ای این چنین قوی و همچنین نیاز به آزادی، قانون، عدالت و هنر آگاهی بخشی، روشنفکران و آزادیخواهان را وادار کرد که با انتشار کتاب، شینامه و جراید فعالانه وارد حوزه عمل شوند و جامعه را به رشد فرهنگی بایستای برسانند که مردم در برابر اقتدار عین الدوله و استبداد علاءالدوله و ظلم و زور اطرافیان شاه مطیع و فرمانبر نباشند و به عنوان زندگی هر جوروری را تحمل نکنند، چنین کردند هنرمندان پیشاز این دوره، موقعیت جامعه را دریافتند و نیروهای انسانی را به جوش و خروش درآوردند و از شعر به عنوان یک وسیله مبارزه استفاده کردند، بنابراین هنر مترقی این دوره همچون نیروی محرکه‌ای جامعه را به یک حرکت انقلابی وادار کرد و آن ضرورت تاریخی را هنرمندان با نگاهی پیامبرانه خود زودتر از همه دریافتند.

قانون خواهی، آزادی دوستی و روشنگری از ویژگی‌های بارز شاعران این دوره است، آیا چنین ویژگی‌هایی را در آثار نیمتاج سلماسی هم می‌توان دید؟

چنین گرایش‌ها و اندیشه‌هایی محصول دوره و موقعیت خاصی است که بهتر است نخست موقعیت تاریخی آن دوره روشن شود. هنگامه جنگ اول جهانی بود و اوضاع ایران بسیار آشفته بود، اگرچه به ظاهر ایران دارای پادشاه بود ولی احمدشاه قاجار، اقتدار کشورداری نداشت. کابینه‌ها مرتب عوض می‌شدند، علاءالسلطنه، مستوفی‌الملک، مشیرالدوله، عین‌الدوله، فرمانفرما، سپهبد اعظم، وثوق‌الدوله و...

جنوب ایران را سپاهیان انگلیس اشغال کرده بودند و روس‌ها، قزوین، ساوه، قم، اصفهان، کرمانشاه و... را گرفته بودند. در سال ۱۳۲۵ سربازان روس، شهرارومیه را آتش زدند. یک سال بعد جنگی بین مسلمان‌ها و آشوری‌های مسیحی در ارومیه و سلماس درگرفت که منجر به شکست مسلمانان شد.

حیات و منتشر نشدن اثر و کم کاری زنان از علت‌های مهم است. برای نمونه نیمتاج حوالي سال‌های ۱۳۲۷ ق یعنی پیش از رضاشاه این شعرها را سروده ولی سال‌ها بعد توسط محقق هندی دینشاه ایرانی به جامعه ادبی معرفی شد یا ژاله، که ۲۰ سال پس از مرگش اشعارش به چاپ رسید (۳) و در انتها خود کم بینی زن‌ها... به عقیده شما بارزترین ویژگی‌های شعر سلماسی چیست؟

درو نمایه‌های مین دوستی، آزادیخواهی و توجه به مشکلات زن از شاخصه‌های مهم شعر دوره مشروطه و پس از آن است که این هر سه ویژگی در اشعار نیمتاج سلماسی وجود دارد.

غزل زیر اثر معزوقه اوست که به مناسبت حمله بلشویک‌ها به ایران و حوادثی که مولود جنگ اول بین‌المللی بوده گفته است:

ایرانیان که فرکیان آرزو کنند
باید تخت کلاه خود جستجو کنند
مرد بزرگ باید و عزم بزرگ‌تر
تا حل مشکلات به نیروی او کنند
در اندلس تمایز جماعت شود یا
روزی که قادیسه به خوینها وضو کنند
ایوان بی شکسته مرمت نمی‌شود
صد بار اگر به ظاهر وی رنگ و رو کنند
شد پاره پرده عجم از غیرت شما
اینک بیاورید که زنها رفو کنند
نسون رشت موی پریشان کشیده صف
تشریح عیب‌های شما مو به مو کنند
دوشیزگان شهر ارومیه گشاده روی
دریوزگی به بر زن و بازار و کو کنند
پس خواهران به خطه سلماس تاکنون
خون چکر
خون برادران همه بی‌خواب رو کنند
خوین ذکر بیاید و طوفان وی زانو
تا لکه‌های ننگ شما بشستو کنند
آزادگی به دسته شمشیر بسته‌اند
مردان همیشه تکیه خود را بدو کنند
قانون خلقت است که باید شود ذلیل
هر ملتی که راجتی و عیجش خو کنند
نیمتاج سلماسی

گویا شعر «کاه» از مشهورترین آثار بیجامانده از نیمتاج سلماسی است، پیرامون این شعر برایمان صحبت کنید؟

دو غزل قوی اجتماعی - سیاسی که از نیمتاج سلماسی باقی مانده و جنبه انتقادی دارد، به لحاظ مضمون انعکاسی وقایع سیاسی - اجتماعی دوره شاعر است که قبلاً توضیح دادم و در آنها مشکلات سیاسی به مردان و دولتمردان هشدار داده شده و این مضمون نادر با صراحت بی‌ظنیری توسط زنی شاعر در قالب غزلی موفق ریخته شده و شاید یکی از علل ماندگاری این دو غزل، قوی بودن آنهاست. ذهنیت سیاسی و آگاهی اجتماعی شاعر در آفرینش این اشعار گام به گام، همراه با حسی مادرانه و دلسوزانه راهکارها را گفته است و با زبانی ساده و روان بی‌مسولیتی مردان و شکوه‌های متعبدانه زنانه را سروده و در انتها هشدار تکان دهنده داده است که انسان وطن پرست ایرانی را پلرزاند و او را به حرکت وادارد. این شعر نخستین غزل سیاسی معاصر است به زبان یک زن شاعر که به حیطه مردانه وارد شد و حتی به حریم غیرت مردانه تعرض کرد.

در کتاب اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، شعر نیمتاج را شعری آرمانی دانسته‌اند اما به نظر می‌رسد شعرهای او بیش از آن که آرمانی باشد، حاکی از انتقادهای اجتماعی - انقلابی است، عقیده شما چیست؟

راستش یاد نیست که ده سال پیش از چه کلمه‌ای استفاده کرده‌ام ولی بهتر است کتاب را نگاه کنیم و ببینیم چی نوشته‌ام. تب جمله این است در اشعار او آرمان‌های اجتماعی او نهفته است، آرمانی حاکی از اشتیاق به وحدت ملت، قدرت و آرامش مین است. شما مخالفید! خوب توضیح می‌دهم. آرمان یک فرد طبیعی جز هدف، خواسته، آرزو و امید چیز دیگری نیست و هر انسان سالم در جامعه دارای آرمانی فردی و اجتماعی است. نیمتاج در این دو غزل آرزوها و خواسته‌های اجتماعی انسان ایرانی را سروده، چرا شاعران زنی چون نیمتاج آن طور که بایسته است تأثیری بر جریان ادبی نگذاشته‌اند؟

(۱) جدی نگرفتن کار هنری به سبب مشکلات فرهنگی، (۲) مطرح نبودن در زمان

آقای هادی مقدم دوست
ما هم همراه اندوه از دست دادن پدرتان به سوگ نشستیم. ایم.
دوستان و همکاران شما در پیروین

دوست و برادر شکیبا و وارسته آقای هادی مقدم دوست
پیدا کردن جملاتی برای تسلیت به برادری چنین نزدیک، دشوار می‌نماید. تنها آرزو داریم شما اندوه از دست دادن پدر دوست داشتنتی‌تان را بیا صبر و تحمل تاب آورید.
معمومه بیات - حمید بعثت‌الم - رضا حسین

خانم دکتر روح انگیز کراچی
مصیبت وارده را تسلیت عرض کرده، از ایزدمنان برای حضرتعالی صبر بی‌کران و برای مرحومه مغفوره رحمت بی‌منتها خواستاریم.
پیروین